



بیست و ششم خرداد ماه سالروز شهادت سربازان اسلام بخارایی،
امانی، صفار هرنندی، و نیک نژاد
لاله های سرخ انقلاب

دانشگاه
سام نور
واحد ملارد



پس از حادثه فیضیه و قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲، عده ای از متدینین و چهره های موجه بازار تهران به این نتیجه رسیدند که مبارزه سیاسی با رژیم شاه و باید برای براندازی آن اقدام مسلحانه علیه رژیم و عناصر اصلی آن کرد. ” هیئت موتلفه اسلامی“ نتیجه ترکیب شش هیئت مذهبی بود که اکثر آنها از مقلدان امام خمینی بودند. در پی اعتراض حضرت امام به تصویب لایحه کابیتولاسیون در ۲۱ مهر ۴۳ در مجلس، که اعتراضات مردم و بسیاری از روحانیون معروف را به همراه داشت، ایشان به ترکیه و سپس نجف، تبعید شدند و یاران موتلفه، پس از کسب اجازه از شورای روحانیت مراجع جهت اقدام به اجرای حکم شرع، تصمیم به ترور انقلابی حسنعلی منصور نخست وزیر سر سپرده شاه گرفتند.

پنجشنبه اول بهمن ۱۳۴۳، ساعت ده صبح حسنعلی منصور توسط محمد بخارایی از اعضای موتلفه اسلامی هدف پنج گلوله قرار گرفت و کشته شد. با اعدام انقلابی منصور، محمد بخارایی عامل اعدام به دست ماموران ساواک افتاد و سپس دیگر یارانش نیز دستگیر شدند. پس از مدتی، رژیم پهلوی در یک دادگاه فرمایشی اعضای این گروه را به اعدام و زندان طولانی مدت محکوم کرد: محمد بخارایی (اعدام -) مرتضی نیکخواه (اعدام -) رضا صفارهرندی (اعدام -) حاج صادق امانی (اعدام -) حاج مهدی عراقی (حبس ابد) و حاج حبیب الله عسکر اولادی (حبس ابد) و نیز سید علی اندرزگو به طور غیابی به اعدام محکوم شد ولی متواری گشت تا ۲ شهریور ۵۷ که در یک درگیری مسلحانه با نیروهای ساواک در تهران به شهادت رسید .

شهید محمد بخارایی

فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۳ ه.ش در جنوب شهر تهران به دنیا آمد او پس از پایان دوره مدرسه با شهید رضا صفار هرنندی دوست صمیمی شد و در جلسات حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی اصغر هرنندی با اسلام و افکار روشنفکرانه در نهضت امام آشنا گردید. با آغاز نهضت امام خمینی، شهید بخارایی و شهید هرنندی با موافقت اسلامی آشنا شدند و شهید عراقی، آنها را برای جهاد مسلحانه شایسته یافت و آنان را با شهید امانی مرتبط ساخت. شهید امانی تحولی نو در روحیه آنها پدید آورد و شرکت در دوره های تمرین مسلحانه روابط آنها را مستحکم کرد. او در عملیات بدر برای به هلاکت رساندن حسنعلی منصور نقش ویژه ای داشت و پس از شلیک دو گلوله به طرف منصور، از صحنه بیرون آمد ولی با لغزیدن پای او روی یخ خیابان در جلوی مسجد سپهسالار سابق (مدرسه شهید مطهری فعلی) به زمین افتاد و دستگیر شد ولی در کلانتری بهارستان به نصیری معدوم با شجاعت و صراحت پاسخ هایی داد که او برآشت و با عصای مارشالی به دهانش زد و آن را غرق خون کرد. شهید بخارایی با اینکه نوجوانی ۲۰ ساله بود ولی در بازجویی ها و بیدادگاه، همگان را از بلاغت و فصاحت و شجاعت خود به تحسین واداشت. شهید بخارایی در سحرگاه ۲۶ خرداد ۱۳۴۴ همراه سه شهید دیگر با نشاطی کامل و با فریاد الله اکبر شهادت را پذیرا شد.

چهار فرزند شجاع و برومند اسلام در راه پاسداری از ارزشهای متعالی اسلام و در مسیر پر برکت نهضت امام خمینی (ره) جهت برپایی حکومت اسلامی در ایران، عاشقانه شربت شهادت نوشیدند و به لقاء الله نائل آمدند.

رضا صفار هرنندی

شهید رضا صفار هرنندی فرزند علی اکبر در سال ۱۳۲۵ در خانواده ای اهل علم و تبلیغ دین به دنیا آمد. برادرش حجت الاسلام حاج شیخ علی اصغر هرنندی روحانی آزاده خدوم و مردمی بود که علاوه بر اقامه نماز جماعت در مسجد دروازه غار تهران و منبر و تعلیمات دینی، مغازه پارچه فروشی داشت و

از این راه زندگانی را اداره می نمود و نمونه ای از کسب پاکیزه اسلامی را در عمل آشکار می کرد. شهید رضا صفار هرنندی در این خانواده پرورش یافت.

پس از دوره ابتدایی، دروس دینی را نزد برادرش خواند و در مغازه او به کار مشغول شد. وی در مسجد برادرش در امر تبلیغ دین و ارتباط با نوجوانان و کشاندن آنها به راه دین فعال بود. در همین رابطه با شهید محمد بخارایی و شهید نیک نژاد آشنا شد و با آنها درباره مسائل اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر کار می کرد. با شروع نهضت امام خمینی (ره)، او و یارانش، به انجام وظیفه انقلابی رو آوردند و بالاخره در مسیر این نهضت خدایی، با موافقت اسلامی آشنا شدند و به طرف جهاد مسلحانه رو آوردند. شهید هرنندی روز عملیات اعدام انقلابی منصور پشتیبان شهید بخارایی بود و توانست پس از پایان عملیات از صحنه بیرون آید ولی وقتی که می خواست وسایلش را از خانه بردارد و به اتفاق شهید نیک نژاد زندگی مخفی را آغاز کند دستگیر شد.

مرتضی نیک نژاد

شهید مرتضی نیک نژاد در سال ۱۳۲۱ در جنوب شهر تهران در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. از نوجوانی تدین و تعهد وی همه را تحت تاثیر قرار می داد. وی پس از پایان دوره ابتدائی در بازار تهران به شغل گالش فروشی اشتغال داشت. او با آشنایی با شهید رضا صفار هرنندی در جلسات دینی حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اصغر هرنندی شرکت کرد و با آشنایی با شهید بخارایی، جمعی صمیمی تشکیل دادند و از همین جمع با موثله اسلامی آشنا گشتند. وی در جریان عملیات بدر نفر دوم عملیات و پشتیبانی کننده شهید بخارایی بود که پس از اینکه شهید بخارایی منصور را به سزای خیانتهاش رساند چند تیر شلیک کرد که مامورین طاغوت را از توجه به بخارایی منصرف سازد. این گلوله ها به ناودان مجلس و شیشه اتومبیل بنزی که منصور را در آن انداخته و به بیمارستان می بردند اصابت کرد و شیشه جلوی بنز را خرد کرد. وی از صحنه عملیات خارج شد ولی به همراه شهید صفار هرندی دستگیر شد. در دادگاه تجدید نظر طاغوت با اینکه مریض و قادر به حرکت نبود اما به دستور رئیس دادگاه نظامی، او را با برانکارد به جلسه آوردند و در حالی که روی نیمکت دراز کشیده بود، او را محاکمه کردند.

وی در سحرگاه ۲۶ خرداد ۴۴ در حالی که با چهره ای خندان به سوی چوبه های تیرباران می دوید تکبیر گویان و سپاسگزار از خداوند به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

یاد و نام نامی شان گرامی باد





واحد فرهنگی دانشگاه پیام نور ملارد